

یاران روحانی

الله ابھی

برنامه ای که تحت عنوان "رهایی از تعصب" تقدیم حضورتان گردیده قصد دارد با تأمل در آثار مبارکه کمک نماید تا از سویی نتایج منفی وجود تعصبات در یک اجتماع را بررسی نماییم و از سوی دیگر بر روشهای دوری گزیدن از این بلیه اجتماعی که در بسیاری از موارد از نوع تربیت در خانواده نشأت میگیرد تأمل نمائیم تا بتوانیم روز به روز باورها و اقداماتمان را از کوچکترین شائبه تعصب پاک نموده و همگام با یکدیگر در ساختن دنیایی بهتر گام برداریم و به گوش جان "آواز حق را بشنویم که به صوت ملیح می فرماید:

ای دوستان!

سراپرده یگانگی بلند شد.

به چشم بیگانگان، یکدیگر را ببینید!

همه باریک دارید و برگ یک شاخسار.

به امید مشاهده انوار صبح روشن هدایت، وحدت و آزادی،

جانتان خوش باد

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

"امروز خدمتی اعظم از ترویج وحدت عالم انسانی و صلح عمومی نیست تا نفوس از تعصبات قدیم و تقالید مضره نجات یابند و از تعصب مذهبی و ملی و جنسی و سیاسی و وطنی، پاک و پاکیزه شوند تا این تعصبات باقی است، آسایش و سعادت تمام در عالم انسانی جلوه ننماید."

بدائع الآثار ج ۲ ص ۲۲۶

عنوان: رهایی از تعصب

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- منتخبات بیانات حضرت بهاء الله

۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۴- ذکر دسته جمعی (یا منان یا منزل البیان...)

قسمت اداری

۵- پیام حضرت عبدالبهاء

۶- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

۷- آنچه بهائیان باور دارند

۸- لزوم تعلیم عدل و انصاف در خانواده

۹- تواضع فکری در برابر خودبزرگ بینی فکری

۱۰- اندیشه ترک تعصبات در آئین بهائی

۱۱- نگرش بهائیان به تعصب دینی

۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

۱۳- شور و مشورت

قسمت اجتماعی

۱۴- انس و الفت

۱۵- مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

## ۱- مناجات شروع

ای پروردگار این حزب مظلوم را موفق نما که به خدمت عالم انسانی مؤید گردند تا دست تطاول ظلم و عدوان کوتاه گردد و بارقه عزت ابدیه عالم انسان منتشر شود؛ عدل و انصاف تأسیس گردد؛ بنیان جور و اعتساف بر افتد. الفت بی پایان به میان آید و وحدت عالم انسانی جلوه کند. تعصب دینی و وطنی و جنسی و سیاسی از میان برخیزد و یگانگی و آزادی، بنیاد بیگانگی براندازد و روی زمین بهشت برین گردد و شرق و غرب آیات باهره نور مبین شود. تویی مقتدر و عزیز و توانا و تویی بخشنده و درخشنده و مهربان. ع ع

تاریخ امر بهائی در شهر قم، ص ۱۳۶

## ۲- منتخبات بیانات حضرت بهاء الله

ای اهل بینش آنچه از سماء مشیت الهیه نازل گشته، علت اتحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده. از اختلافات جنسیه چشم بردارید و کل را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمائید. (ترجمه)

ظهور عدل الهی ص ۷۶

رَأْسُ كُلِّ مَا ذَكَرْنَاهُ لَكَ

هُوَ الْإِنْصَافُ وَهُوَ خُرُوجُ الْعَبْدِ عَنِ الْوَهْمِ وَالتَّقْلِيدِ وَالتَّفَرُّسِ فِي مَظَاهِرِ الصَّنْعِ بِنَظَرِ التَّوْحِيدِ وَالْمُشَاهَدَةِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ بِالْبَصَرِ الْحَدِيدِ

آیات الرحمن ص ۱۴۳

### ۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

"ای احبای الهی از رائحهٔ تعصّب جاهلانه و عداوت و بغض عامیانه و اوهام جنسیّه و وطنیّه و دینیّه که به تمام مخالف دین الله و رضای الهی و سبب محرومی انسانی از مواهب رحمانی است، بیزار شوید و از این اوهامات تجرّد یابید و آئینهٔ دل را از زنگ این تعصّب جاهلانه، پاک و مقدّس کنید تا به عالم انسانی یعنی عموم بشر مهربان حقیقی گردید و به هر نفسی از هر ملّت و هر آئین و هر طائفه و هر جنس و هر دیار آدنی گُرهی نداشته باشید بلکه در نهایت شفقت و دوستی باشید. شاید به عون و عنایت الهیّه افق انسانی از این غُیوم کثیفه یعنی تعصّب جاهلانه و بعض و عداوت عامیانه، پاک و مقدّس گردد.

گلزار تعالیم بهائی ص ۳۶۶

### ۵- پیام حضرت عبدالبهاء

ای اهل عالم بیدار شوید، بیدار. ای احزاب و امم، هشیار شوید، هشیار. بنیان نزاع و جدال را براندازید. از تقلید و تعصّب که سبب درندگی است بگذرید تا به حقیقت پی برید و انوار وحدت عالم انسانی مانند آفتاب ظاهر و عیان گردد. علم صلح عمومی بلند شود الفت و اتحاد کامل بین اجناس و ادیان و اوطان حاصل گردد. عالم انسانی آسایش جوید. صورت و امثال الهی یابد. این است پیام من

بدائع الآثار ج ۱ ص ۳۵۱

۶- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

احباء باید بیزاری خود را از تنفر و تعصب که هادم بنیان جامعه بشری است نشان دهند و با قول و عمل اعتماد خود را بر اتحاد توأم با صلح بین تمام نژادهای بشری، نمودار سازند.

حیات بهایی صفحه ۱۹

۱۳- شور و مشورت

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

«جهان امروز در ظلمت روحانی روزافزونی بسر می برد. نفرتها و تعصبات گوناگون عنقریب جهان را نابود خواهد ساخت، از سوی دیگر ما که پاسداران نیروهای مخالف نفرت و تعصب دینی یعنی محبت و اتحاد و صلح و یگانگی هستیم باید همواره آماده و بیدار باشیم مبادا فرداً و یا جمعاً وسیله انتقال این نیروهای مخرب و منفی به داخل جامعه خویش گردیم به عبارت دیگر بایستی هوشیار باشیم تا مبادا تباهی جامعه خارج بلا اراده در رفتار و نظرات ما منعکس و مؤثر گردد محبت به یکدیگر و احساس اینکه ما ترکیبی جدید، مطلع انوار در افقی جدید و حارسان نظام جدید جهانی هستیم، باید حیات بهائی ما را مداوماً شاداب سازد. باید همیشه دعا کنیم که از آلودگی جامعه ای که هر روز مبتلا به تعصبات جدید می شود برکنار و مصون بمانیم.»

توقیع ۵ فوریه ۱۹۴۷ خطاب به محفل روحانی محلی بهائیان آتلانتا.

چطور میتوانیم از ورود افکار و اعمال متعصبانه به جامعه جلوگیری کنیم؟

۷- آنچه بهائیان باور دارند

بیت العدل اعظم الهی میفرماید:

بهائیان اطمینان دارند که مردم جهان به مرور زمان می‌توانند بیاموزند که بلای تعصب مذهبی را تضعیف و ملاً ریشه کن سازند. همهٔ مردمان باید از حق آزادی وجدان و عقیده و ابراز آن برخوردار باشند و موظف به رعایت همان حقوق در قبال دیگران می‌باشند. آن وقت است که می‌توانند با احترام متقابل با یکدیگر تعامل کنند، در ارزش‌های مشترک خود یک مقصد همگانی و وحدت عمل بیابند که به بنای جهان بهتری کمک کند. جامعهٔ بهائی به سهم خود می‌کوشد که الگوهای از چنین مدارا، همکاری و دوستی را به طرق مختلف ترویج دهد. بهائیان در مقام فرد می‌کوشند تا حیات روزانهٔ خویش را با تعالیم الهی تطبیق داده اصول آیین بهائی را در عمل به مورد اجرا گذارند. بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم می‌فرماید "افکار و اعمال شما باید آن چنان عاری از هر گونه تعصب اعم از نژادی، مذهبی، اقتصادی، ملی، قبیله‌ای، طبقاتی و یا فرهنگی باشد که حتی بیگانه نیز شما را دوست مهربان انگارد." اطفال بهائی از ابتدای کودکی می‌آموزند که اساس همهٔ ادیان الهی یکی است، بنیان‌گذاران همهٔ ادیان را قبول داشته باشند و نسبت به آنان مانند بنیان‌گذار دین خود عشق بورزند و با پیروان همهٔ ادیان و یا کسانی که پیرو هیچ دینی نیستند، با روح دوستی و شفقت معاشرت کنند. بهائیان ضمن اجرای امور جامعهٔ بهائی می‌آموزند که از موانع سنتی متداول در اجتماع که موجب جدایی مردم می‌گردد از جمله کشمکش بین افراد از پیشینه‌های مذهبی مختلف فراتر روند. ... بهائیان در شهرها و دهکده‌ها در سراسر کرهٔ ارض به تأسیس الگویی از زندگی اشتغال دارد که تعداد فزاینده‌ای از مردم، بدون توجه به پیشینهٔ آنان، دعوت می‌شوند تا در آن مشارکت نمایند. این الگو که نمایانگر انسجامی پویا بین ابعاد مادی و معنوی زندگی می‌باشد شامل کلاس‌هایی است برای تعلیم و تربیت روحانی کودکان که در آن درکی عمیق از وحدت بنیادین ادیان جهان کسب می‌کنند؛ گروه‌هایی برای کمک به نوجوانان تا بتوانند این مرحلهٔ حساس و مهم از زندگی خود را هدایت کنند و در مقابل قوای مخربی که به خصوص آنان را هدف قرار داده استادگی نمایند؛ حلقه‌هایی برای مطالعه که شرکت‌کنندگان دربارهٔ ماهیت روحانی عالم هستی تفکر و تأمل می‌نمایند و قابلیت خدمت به جامعه و اجتماع را کسب می‌کنند؛ گردهمایی‌هایی برای عبادت دسته‌جمعی که خصیصهٔ نیایشی جامعه را تقویت می‌کند؛ و در زمان مناسب انواع فزاینده‌ای از مجهودات برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی. این الگوی حیات جامعه منتهی به ایجاد جوامع پویا و هدفمند جدیدی می‌گردد که در آن روابط بر اساس یگانگی نوع بشر، مشارکت عمومی، عدالت، و رهایی از تعصب استوار گشته است. این جامعه به روی همه باز است. ..

## ۸- لزوم تعلیم عدل و انصاف در خانواده

بیت العدل اعظم الهی میفرمایند:

چه بسا خانواده‌های باثبات و متحدی که بر اثر دید تعصب‌آمیز که نسبت به بخشی از اجتماع دارند به کودکان خود مفهوم "خودی و بیگانه" را القاء می‌کنند؛ غافل از اینکه تلقین چنین افکار مسموم کننده‌ای حس نوع دوستی و عدالت خواهی را در وجود آنان ضعیف می‌کند. جای تعجب نیست اگر کودکانی که در چنین محیطی پرورش می‌یابند در سنین بلوغ یا در مقابل رنج و درد انسان‌ها بی تفاوت شوند، یا ظلم و ستم به دیگران را عملی جایز و مشروع شمرند و یا خود نیز احتمالاً به رواج آن کمک نمایند. به علاوه از آنجایی که در جوامع سرکوبگر و خشن دفاع از حقوق بشر و حیات از ستمدیدگان، امر دشواری است، این قبیل افراد به جای ترویج عدالت و حمایت از مظلومان راه آسان‌تر، یعنی سکوت و یا سازش با ستمگر را برگزیده، نادانسته سد راه پیشرفت روحانی و معنوی خود و ترقی ملت خویش می‌گردند. تعلیم عدل و انصاف در خانواده اقدامی اساسی در جهت رفع این نارسایی بزرگ اجتماعی است. فرزندان باید آن چنان تربیت شوند که هر انسانی را بدون در نظر گرفتن دین، قوم و یا هر گونه تعلق دیگری، هم نوع خود دانسته، گرمی شمرند و به این بیان که نمایان گر روح این زمان است، ناظر باشند: "سراپرده‌ی یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یک دیگر را ببینید؛ همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار". ملاحظه فرمایید که چطور کودکان بر اثر تربیت فرامی‌گیرند که به فکر حقوق افراد خانواده‌ی خویش باشند. با تربیت بیشتر می‌آموزند که رعایت حال همسایگان و خدمت به آنان را نیز واجب شمرند. در سطحی برتر، تربیت درست، می‌تواند به آنان یاری دهد تا با بینشی وسیع‌تر عزت و وطن و ملت خویش را مد نظر قرار دهند و هنگامی که این وسعت بینش به منتهی درجه‌ی کمال رسد، البته پیشرفت نوع انسان و خیر و صلاح تمامی مردم جهان را یکی از اهداف زندگی خود قرار خواهند داد. خانواده محیطی است که در آن، این افکار بلند و شکوهمند جهان شمول می‌تواند پرورش یابد و بدین ترتیب نسل‌های برومندی تربیت شوند که ترقی و پیشرفت خود را در سعادت و عزت دیگران ببینند.

## ۹- تواضع فکری در برابر خودبزرگ بینی فکری

نویسنده: ریچارد پُل و لیندا الدر

شاید ساده‌ترین تعریف از «تواضع فکری» این باشد: بدانیم و آگاه باشیم و اعتراف کنیم (و به این اعتراف پایبند باشیم) که دانستنی‌های زیادی هستند که ما آنها را نمی‌دانیم.

تواضع فکری یعنی اینکه از محدودیت‌های دانش و شناخت خودمان آگاه باشیم و، از جمله، آگاه باشیم که نوعی خودمحوری به طور طبیعی در ما وجود دارد که، تحت شرایطی، ممکن است ما را فریب دهد و زمانی که این «شرایط» پیش می‌آید باید به دقت مراقب باشیم. همچنین باید مراقب تعصب، پیش‌داوری، و محدودیت‌های نظرگاهی که از آن به امور می‌نگریم باشیم.

لازمه اینکه شخص از نظر فکری متواضع باشد درک و فهم این مطلب است که نباید فراتر از آنچه واقعاً می‌داند ادعا کند. تواضع فکری به این معنا نیست که بزدل و ضعیف باشیم یا در برابر هر نظر مخالفی دست‌انمان را به علامت تسلیم بالا ببریم و عقب بنشینیم، بلکه به این معناست که از گزافه‌گویی، خودنمایی، یا غرور فکری عاری باشیم و، در کنار این، به مبانی منطقی باورهایمان توجه کنیم و ببینیم مبنای باورهایمان چیست و آیا باورهایمان اصولاً مبنای منطقی دارند.

کانال سفینه عرفان



... تعصب در نقطه مقابل آزادی، استقلال فکری، تحری حقیقت، خرد ورزی و انسانیت قرار می گیرد. در تعصب، آدمی خود را به باورها و احساسات گروه خود تسلیم میسازد و از اندیشیدن آزاد امتناع می کند و در حل شدن به گروه خود، ایمنی و دوستی را به بهای انسان زدایی از خویشتن می خرد. و سرانجام آخرین ویژگی اندیشه تعصب پرور آنست که نه تنها از مصاحبت و معاشرت و دوستی و همدلی و گفتگو با گروه های بیگانه می پرهیزد بلکه به سادگی آماده انجام هر گونه ظلم و بیرحمی و تبعیض و کشتار علیه آنان میگردد.

بهاء الله که ظهور خود را نویدی برای ظهور انسان به عنوان انسان می پندارد، شالوده تعصب را درهم میشکند و همه جوانب آنرا مورد پرسش قرار می دهد. به جای نفی هویتی جهانی، عمومی و انسانی، بهاء الله در نوشته های خویش بر شرافت انسان به عنوان انسان سخن میگوید و این شرافت و کرامت را منحصر به این یا آن ویژگی اجتماعی یا طبیعی نمی نماید بلکه عزت انسان بر اساس هویت معنوی و روحانی آدمی یعنی آنچه که مشترک همه آدمیان است، تعریف می گردد. در اینجا است که او از انسان تعریف نوینی بدست میدهد و اعلان میکند که "امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید"

بهاء الله میگوید "ای دوستان سرا پرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مینیند. همه باریک دارید و برگ یک شاخسار" به علاوه در فرود آوردن بت تعصب بهاء الله از لزوم استقلال فکری، انصاف، خرد ورزی، به چشم خود دیدن و به گوش خود شنیدن سخن می گوید و در نتیجه برای شناسایی حقیقت و ارزشهای راستین قبل از هر چیزی تحری حقیقت، رهائی از بند تقالید گروهی، پاکسازی دل از هر آنچه که دیده و شنیده و شک در باورهای گروه خویش را مورد تأکید قرار می دهد...

سومین ویژگی اندیشه بهاء الله در ارتباط با تعصب، نفی احتراز از دیگران و خشونت علیه گروههای دیگر است. بر عکس، بهاء الله محور آموزه های نوین خود را بر اساس اصل معاشرت و دوستی با همه نوع بشر با همه ادیان و با همه اقوام معرفی مینماید. در لوح طرازات بهاء الله چنین میگوید: طراز دوم معاشرت با ادیان است بروج و ریحان... با جمیع اهل عالم بروج و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم است. طوبی از برای نفوسیکه بحبل شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضا فارغ و آزاد.

## ۱۱- نگرش بهائیان به تعصب دینی

گفته شد که تعصب عبارت از انحطاط انسان به عرصه تنازع بقا و یا منطق جنگل است و در نقطه مقابل، تعبیری روحانی از انسان قرار میگیرد. اینجاست که سخن از تعصب دینی در نوشته های بهائی در آغاز به نظر شگفت انگیز مینماید. اگر تعصب تقلیل انسان به حد یک شیئی و نفی جنبه روحانی هستی است، چگونه میتوان تعصب دینی داشت؟ پاسخ به این پرسش یکی از تازه ترین و خلاق ترین جلوه های اندیشه عرفانی در آیین بهائی است. از نظر آیین بهائی تعصب دینی نه تنها یک نوع جلوه راستین رویکردی روحانی و معنوی نیست بلکه بر عکس نفی کامل خدا و عرفان و تعبیر روحانی از هستی است. هنگامی که دین و باور به خدا ابزاری برای توجیه نفرت و کین نسبت به زنان و دگرانیشان و گروندگان دیگر ادیان و مذاهب می گردد از دیانت و خدا جز نامی تهی و رسمی عاری از زندگی چیزی باقی نمانده است. به این دلیل است که دعوت بهاءالله به تعبیری روحانی از هستی در آن واحد هم نفی فرهنگی است که بنام ماده پرستی از داروینیزم اجتماعی، ناسیونالیزم افراطی، نژادپرستی، زن ستیزی و مسابقه تسلیحاتی و پرخاش و استعمار و خشونت دفاع میکند و هم در عین حال نفی آن فرهنگی است که نفرت و دشمنی و خشونت و تبعیض و پایدالی حقوق بشر را در زیر پرچم نمادهایی مانند خدا و اراده الهی و نصرت خدا و نظائر آن مورد ستایش و تشویق قرار میدهد. بدین ترتیب بسا میشود که یک فرد هرگز به خدا باور نداشته و ظاهراً هیچگونه نیایش هم نداشته است اما بخاطر آنکه اندیشه و احساساتش آدمی را به حد یک شیئی و یک حیوان تقلیل نمیدهد، به مراتب و به راستی روحانی تر از آن کسی است که شب و روز به دعا و نماز می پردازد اما دلش آکنده از نفرت علیه آفرینش خداست.

از ظلم و ستم به داد و خرد از نادر سعیدی